



## حقوق و آزادی‌های فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد نیک فکر<sup>1</sup>

### چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی را در فصلی ذیل عنوان «حقوق ملت» مورد توجه قرار داده است. آزادی اجتماعات، از زمره حقوق و آزادی‌های جمعی است که مستقیماً در اصل 27 قانون اساسی و به‌طور ضمنی در اصل 26 قانون اساسی، شناسایی و تضمین شده است. در این نوشتار، تحلیل اهمیتی است که قانون اساسی در خصوص آزادی اجتماعات در اصل 27 قانون اساسی قائل شده است و همچنین تأکید بر این موضوع اساسی که اولاً آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها مطلق نمی‌تواند باشد. بلکه اعمال این حق باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جامعه دموکراتیک اسلامی لحاظ شده باشد. ثانیاً قانون اساسی ضمن رعایت معیارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و جامعه بین‌المللی، همچنین شرایط و اوضاع و احوال جامعه دموکراتیک اسلامی خود را در نظر گرفته است و هر دو توأمان مدنظر قرار داده است. همچنین در این پژوهش تلاش شده است نخست به مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی به‌طور مفصل بپردازد. سپس ضمن بیان انواع حق‌ها و آزادی‌ها به‌طور خاص به بررسی حق اجتماع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات مربوطه پرداخته شده است. در این راستا ضمن بیان ضمانت اجرای این حق به‌ضرورت توجه و نظارت دولت بر چگونگی اجرای این پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** قانون اساسی، حقوق و آزادی عمومی، حقوق شهروندی، آزادی اجتماع کرامت انسانی

### 1\_ مقدمه،

حقوق و آزادی‌های عمومی از جمله حقوق بنیادین بشری است که در اغلب اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورهای دنیا مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است. بر همین اساس، دولت‌ها نمی‌توانند با قوانین عادی و یا اتخاذ تصمیمات سیاسی و اعمال سلاقی شخصی آزادی‌های مذکور را مورد تجاوز قرار دهند. شناسایی حق ایجاد تشکل‌ها و اجتماعات توسط فرمانروایان، نتیجه ارزش نهادن به ذات بشریت و نفی استبداد و خودکامگی است.

یکی از بخش‌های مهم قانون اساسی هر کشوری، بخش حقوق و آزادی‌های اساسی مردم است، زیرا در این بخش است که اسب سرکش قدرت با لجام قانون محدود می‌شود و رابطه‌ی افراد با دولت مشخص می‌گردد. به همین دلیل، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی را به حقوق و آزادی‌های فردی، اجتماعی، قضایی و امنیتی مردم اختصاص داده است.

<sup>1</sup> کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، دانشگاه آزاد بندرعباس، [m9171494688@gmail.com](mailto:m9171494688@gmail.com)

ما در جزوه کلیات حقوق اساسی شرح و بخشی کلی پیرامون حقوق و آزادی‌های فردی و انواع آن داشته‌ایم. در آنجا این حقوق و آزادی‌ها را تحت سه عنوان:

- آزادی‌های شخصی

- حقوق ناشی از اجرای عدالت

- حقوق مالی

مورد مطالعه قرار دادیم که دانش آموزان عزیز و محترم را به مطالعه آن مأخذ مراجعه می‌دهیم.

239. در بیان و تفسیر آزادی‌های فردی گفته شده است:

انسان در دنیا آزاد خلق شده و دارای آزادی مطلق است و قادر می‌باشد هر عملی را انجام دهد. او از افراد دیگر موقعی می‌تواند استفاده کامل نماید که در محیطی آزاد یعنی تنها دور از افراد دیگر بسر برد ولی این امر برای او غیرعملی است زیرا ساختمان جسمی انسان طوری است که نمی‌تواند احتیاجات خود را به تنهایی برآورده سازد. بدان جهت گفته می‌شود که انسان طبیعتاً اجتماعی می‌باشد.

بنابراین انسان اجتماعی نمی‌تواند از آزادی‌ها به طور غیر محدود بهره‌مند گردد و هر عملی را که حسن خودخواهی او خواستار شود انجام دهد. زیرا در بسیاری از موارد با منافع دیگران روبرو شده و با آزادی آنان اصطحکاک پیدا می‌نماید. این است که گفته‌اند:

هر فردی در جامعه آن قدر می‌تواند از آزادی خود بهره‌مند گردد که به آزادی دیگران تجاوز نکند و هر عملی را که به حقوق دیگران لطمه وارد نیابد می‌تواند بجای آورد برای آنکه نظم اجتماعی پایدار بماند باید آزادی افراد به مقدار مساوی محدود گردد.

حدود آزادی افراد را قانون که عهده‌دار نظم اجتماعی است معین می‌کند و هر امری را که تماس با آزادی دیگران پیدا می‌کند منع می‌نماید. همچنان که با انجام آنچه برای حفظ نظم جامعه لازم است امر می‌کند. افراد می‌توانند در انجام هر امری مورد حکم قانونی قرار نگیرند از آزادی خود بهره‌مند شوند و آن را بجای آورند و یا خودداری کنند. این است که می‌گویند:

هر چه از طرف قانون منع نشده باشد مجاز است.

اصل مزبور مورد هیچ‌یک از مواد قانونی قرار نگرفته است ولی با توجه به مقدمات مذکور در بالا این امر از قواعد عقلی بشمار می‌رود و منطق اجتماع از آن پیروی می‌کند.

اصل مزبور نه فقط به افراد اجازه می‌دهد هر عملی که قانون منع ننموده انجام دهند مجازات نمی‌شوند بلکه قانون از نظر حفظ نظم اجتماعی با احترام با آن می‌نگرد و از آن حمایت می‌کند و نمی‌گذرد دیگران با استفاده از آزادی خود با آن تجاوز کند.

آزادی‌هایی که افراد بدون داشتن آن‌ها نمی‌توانند در جامعه زندگانی نمایند آزادی‌های فردی نامند.<sup>2</sup>

240. آزادی‌های فردی به وسیله اعلامیه‌های حقوق بشر منشور سازمان ملل متحد و اغلب قوانین اساسی کشورهای جهان تأیید و حمایت شده‌اند. اما افسوس و آه باید اذعان داشت که بیشتر این تأیید و حمایت‌ها در بسیاری از ممالک دنیا فقط از کلماتی مرده و بی‌روح

مشکل است و از سطور قوانین مدونه و صفحات نوشته‌ها و مجموعه‌ها فراتر نمی‌روند.

- فاصله تأیید و حمایت لفظی و مکتوب با آنچه عمل می‌شود تا به ثریاست.

- اگرچه عمل ذکر و حمایت نوشته شده در اغلب قوانین نارسا نامفهوم و ناقص است.

241. باین حال آزادی‌های فردی لازمه حیات بشر اجتماعی است و بدون داشتن آن‌ها شخص از افراد زنده جامعه نمی‌تواند بشمار آید و از منافع اجتماعی برخوردار گردد.

بدین ترتیب هیچ‌کس نمی‌تواند از خود سلب مسئولیت کند یعنی از آزادی‌های افرادی صرف نظر نماید همچنان که دیگری هم نمی‌تواند به آن‌ها تجاوز کند.

ماده 960 قانون مدنی کشورمان در این خصوص اشعار می‌دارد:

هیچ‌کس نمی‌تواند از خود سلب مسئولیت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و بااخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرف نظر نماید.

<sup>2</sup> - حقوق مدنی جلد 4 دکتر حسن امامی صفحه 16.

243. همانطوریکه در صفحات پیش اشاره شد قانون اساسی ما کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا را به عنوان یکی از شش پایه ایمانی نظام حاکم بیان داشته است.<sup>3</sup>

این قانون در فصل سوم خود تحت عنوان (حقوق ملت) حقوق و آزادی‌های برای افراد (مردم) در نظر گرفته است که اهم آن‌ها از این قرارند.<sup>4</sup>

مردم ایران از هر قدم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ نژاد زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد شد.<sup>5</sup>

تعصب‌های گوناگون که حتی هنوز هم در پاره‌ای کشورهای پیشرفته جهان ملاحظه می‌شود اگرچه در ایران وجود نداشت و به سبب تعالیم دین اسلام<sup>6</sup> تبعیض‌های ناشی از نژاد و زبان و ملیت که در میان سایر ملل موانعی بزرگ در راه استقرار تساوی حقوق افراد بشمار می‌آید در این کشور منشأ اثر نبود.

با این وجود همین بستگی شدید به مذهب با تعصب مذهبی همراه بود و پیروان سایر ادیان از طرف دیگر با مخالفت و سوءظن مواجه می‌ساخت.<sup>7</sup>

244. اصل 19 قانون اساسی کشورمان تصریح می‌دارد. مردم ایران از هر قوم و قبیله متمتع از حقوق مساوی خواهند بود. این اصل همچنین بیان می‌دارد که رنگ نژاد زبان و مانند این‌ها منشأ و سبب برتری نمی‌تواند باشد. ولی اشاره‌ای به مذهب نشده است و معلوم نیست که آیا این اصل تساوی حقوق افراد صرف نظر از داشتن مذهب تشیع که (مذهب رسمی کشور) است یا خیر؟<sup>8</sup>

- به نظر می‌رسد با توجه به مدلول عنوان فصل سوم (حقوق ملت) و همچنین ذکر و مانند این‌ها نبایست مسلمانان شیعه ایرانی از یک طرف و پیروان سایر ادیان از طرف دیگر را سبب برتری و امتیاز دانست و لذا مقررات مذهبی را از مشمول حکم کلی (تساوی حقوق افراد) مستثنی دانست.

245. اما اصل 14 قانون اساسی استقلال فوق را مورد تردید قرار می‌دهد. زیرا می‌گوید دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.....

ذکر این تفکیک مسلمان و غیرمسلمان خود می‌تواند دلیلی بر دوگانگی حقوق این دو باشد در حالی که هر دو فرد ایرانی هستند.

246. در اصل 20 تصریح شده است:

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی سیاسی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

- به موجب این اصل زن و مرد ایرانی آنگاه که دارای امتیاز مساوی باشند می‌بایست از مکانی مساوی برخوردار شوند. یادآوری (با رعایت موازین اسلام) بدین معنی که آن عدم تشابه حقوق در بعضی موارد شناخته شده برای زن و مرد مراعات شود.<sup>9</sup>

<sup>3</sup> - بند 6 از اصل 2.

<sup>4</sup> - به اصل 19 تا 42 قانون اساسی رجوع شود.

<sup>5</sup> - اصل 19 - ق - 1 - ج - 0 - 1.

<sup>6</sup> - بموجب آیه شریف (ان اکرمکم عند الله اتقیکم)

<sup>7</sup> - در بیان و شرح اصل 8 متمم قانون اساسی سابق که گفته بود اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی حقوق خواهند بود - بوشهری - حقوق اساسی. پیش گفته.

<sup>8</sup> - اصول 4 و 72 قانون اساسی.

<sup>9</sup> - اصل 21 قانون اساسی در مورد رعایت حقوق زن بیان می‌دارد:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با اعانت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد.

1. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی او

2. حمایت مادران به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست.

3. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ برای حفظ کیان و بقای خانواده.

4. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.

5. اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

## 2- مصونیت جان مال حقوق مسکن و شغل اشخاص

قانون اساسی افراد را به لحاظ حیثیت جان مال حقوق مسکن و شغل مصون از تعرض دانسته است و مقرر داشته است: این حقوق اشخاص از تعرض مصون هستند مگر در مواردی که قانون تجویز کند. در تمام مواردی که افراد به لحاظ ارتکاب جنایات وحشتناک و به موجب قوانین جزایی به اعدام محکوم می‌شوند<sup>۱۰</sup> ولو به اتهام جزایی که مستلزم سلب حق مالکیت است<sup>۱۱</sup> تحت پیگرد و محاکمه قرار گرفته و محکوم می‌شوند مصونیت جان و مال از آنان منتزعه شده است. همچنین آنگاه که افراد به استناد قوانین ملی شدن آب جنگل‌ها و مراتع تقسیم اراضی و..... حقوق خود را واگذار می‌کند. نسبت به مایملک خویش بعضاً بدون اختیار خواهند شد. در مورد مصونیت مسکن ورود به خانه شخص بدون رضای او فقط در صورتی جایز است که مظنون یا متهم به ارتکاب جرمی بوده و مقام قضایی ذی‌صلاح آن را تجویز کرده باشد. بنابراین سلب مصونیت مسکن اشخاص تصمیمی است قضایی و اصلاً از حدود صلاحیت مأموران شهربانی ژاندرمری کمیته و سپاه و یا هر مقام دیگری خارج است.<sup>۱۲</sup>

ماده 60 قانون تعزیرات در این خصوص می‌گوید:

هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی یا هر شخصی که خدمت دولتی به او رجوع شده باشد در غیر از مواردی که قانون مقرر داشته یا بدون ترتیبات قانونی در منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب‌منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر مرتکب یا باعث وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید.

مصونیت مسکن در زمان حکومت نظامی ممکن است محدود شود.

گو، اینکه قانون اساسی ماتصریح داشته است که برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید.<sup>۱۳</sup> به‌رحال در همین موارد پیش‌بینی شده محدودیت مصونیت مزبور متحمل است.

- منظور از حیثیت<sup>۱۴</sup> امتیازاتی است که افراد در جامعه از آن برخوردارند. مانند حقوق اجتماعی محرومیت از این حقوق عواقبی را در پی دارد. مثل محرومیت از استخدام در سازمان‌های دولتی، محرومیت از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن..... هرکس به علت ارتکاب جرم عمومی به حکم تعزیری محکوم شود دادگاه می‌تواند محکوم‌علیه را به‌عنوان تنمیم حکم تعزیری مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.<sup>۱۵</sup>

## 3- منع تفتیش عقاید و وجود آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب

الف- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار دهیم.<sup>۱۶</sup> منظور این است که هیچ‌کس نباید مضطرب داشتن عقیده‌ای خاص باشد و آن‌طور که از مفاد اصل مذکور مستفاد است حتی داشتن عقاید مذهبی خاص هم نمی‌تواند دلیلی بر تعرض و مواخذه باشد.

باین‌حال اگرچه قانون اساسی ما در این مورد ساکت است ولی باید توجه داشت که تظاهر عقیده به‌نحوی که نظم عمومی را معشوش گرداند از مصونیت یادشده مبری است.

ب- نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.....<sup>۱۷</sup>

<sup>10</sup> - رجوع شود به ماده 170 قانون مجازات عمومی (سابق) ناظر به مجازات قتل عمد ماده 310 ق- دادرسی و کیفر ارتش موضوع حمل سلاح علیه ایران ماده 1، 5 و 8 قانون حدود قصاص و ماده 1، 2 و 10 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

<sup>11</sup> - رجوع شود به ماده 146 قانون مجازات عمومی (سابق) و ماده 65، 139 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).

<sup>12</sup> - رجوع شود به قسمت اخیر ماده 24 و مواد 22، 23، 22، 91، 92، 94، 253، 254 قانون آیین دادرسی کیفری.

<sup>13</sup> - اصل 79.

<sup>14</sup> - آبرو، شرف، اعتبار

<sup>15</sup> - ماده 14 ق- راجع به مجازات اسلامی مصوب 21 مهر ماه 1361 همچنین مراجعه شود به ماده 19 ق- مجازات عمومی مصوب خرداد ماه 1351.

<sup>16</sup> - اصل 23 ق- 1- ج- 1- 1.

<sup>17</sup> - اصل 24 ق- 1.

اصل مزبور نشریات و مطبوعات را در بیان مطالب آزاد شناخته و حکومت را از سانسور و کنترل در کار مطبوعات به بهانه‌ها بر حذر داشته است. تنها استثنا وارد بر اصل مذکور نشر و طبع مطلب یا مطالبی است که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. از این دو محدودیت که در گذریم حکومت حق ندارد بهر عنوانی اعم از سیاسی یا اجتماعی و غیر آن نشریات و مطبوعات را مورد ممیزی قرار داده و با نشر و طبع آن‌ها مخالفت کند.

لیکن پس از انتشار هرگاه معلوم گردد نشریه‌ای از حدود آزادی خود تجاوز کرده است مثلاً، خللی در مبانی اسلام و یا موجبات هتک حرمت اشخاص و برهم زدن نظم عمومی را فراهم ساخته است تعقیب محاکمه و مجازاتش به موجب قانون بلامانع خواهد بود. بر همین استدلال قسمت اخیر اصل فوق تفصیل این امر را به عهده قانون گذاشته است.<sup>18</sup> یادآوری می‌نماید که جرائم مطبوعاتی متضمن خطرات و عواقب غال با دردناک می‌باشد: که در بسیاری موارد جبران زبان‌های ناشی از آن‌ها ناممکن است. بدین جهت ممیزی مطبوعات به وسیله دولت در حد متعارف اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. کما اینکه در غالب کشورهای جهان متداول است.

#### 4- منع بازرسی و نرساندن نامه‌ها و منع افشای مخابرات

بازرسی و نرساندن نامه‌ها ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشای مخابرات تلگرافی و تلکس سانسور عدم مخابره و نرساندن آن‌ها استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.<sup>19</sup> تفاوت اساسی بین نوشته‌هایی که به وسیله پست ارسال می‌شود و تلگراف در این است که اولی اصولاً سربسته است و مأمور پست حق باز کردن و بازرسی و نرساندن آن را ندارد لیکن تلگراف نه تنها چنان نیست بلکه مخابره آن مستلزم آن است که مأموران آن را بخوانند. و سپس مخابره کنند. لذا بر مفاد آن اطلاع حاصل می‌کند به همین جهت در مورد نامه‌ها (بازرسی و نرساندن) و در خصوص (مکالمات تلفنی تلگراف تلکس عدم افشا و سانسور و عدم مخابره بکار برده شده است. ماده 138 قانون مجازات عمومی (سابق) مقرر می‌داشت:

«هر یک از مستخدمین دولتی مراسلات یا مخابرات اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده مفتوح یا توقیف یا معدوم نماید یا اینکه بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب را افشا کند محکوم به حبس تأدیبی از 6 ماه تا 3 سال خواهد شد.» کشف و آشکار کردن نوشته‌ها یا باز و توقیف کردن آن‌ها گاهی به جهت رعایت مصالح جامعه ضرورت دارد. در مواردی که لازم شود نوشتجات متهم به جنایات با نوشتجاتی که به اسم متهم توسط پست‌خانه یا تلگراف‌خانه وارد شده است معاینه و تفتیش شود. و آن بدین ترتیب است بازپرس مراتب را به ادارات مزبور اطلاع نامه یا تلگراف با حضور بازپرس و متهم باز و صورت‌مجلس در آن باب تنظیم و به امضا حاضران خواهد رسید. اگر متهم از امضا خودداری کند مراتب در صورت جلسه قید می‌شود (ماده 99 ق-آ-ذ-ک)

#### 5- آزادی احزاب و اجتماعات

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال آزادی وحدت ملی موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.<sup>20</sup>

18- اصل 20 متمم ق- اساسی (سابق) تصریح می‌داشت:

عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و تابع و موزع از تعرض مصون هستند.

19- اصل 25- ق- اساسی.

20- اصل 26 قانون اساسی.

## 5\_1\_1 احزاب

افرادی که به سن قانونی رسیده واجد شرایط مقرر در قانون باشند حق دارند و در پاره‌ای کشورها مکلفند<sup>21</sup> در انتخابات اعضای مجالس قانون‌گذاری و انتخاب ریاست‌جمهوری..... شرکت جسته و به افراد موردعلاقه و اعتماد خود رأی دهند.

برای استفاده از حقوق مزبور دو راه وجود دارد:

1. آنکه مردم به سلیقه و ذوق شخصی فهرست‌های مختلف و طولانی و درعین‌حال پراکنده و غیرمنظم تهیه کنند و گروه‌هایی بشمار که هر کدام یکی از فهرست‌های مزبور را در دست خواهند داشت در انتخابات پدید آیند و چون امر انتخابات با تنها رسید متفرق شوند در چنان روشی منافع خصوصی بیشتر ملحوظ می‌شود و اکثریتی نسبی و اغلب ضعیف نمایندگان خود را برمی‌گزینند.
2. روش دیگر که در غالب کشورهای مشروطه و دموکرات جهان معمول است و حکومت‌ها بر اساس آن تشکیل می‌شوند (انتخابات حزبی) است. نقش حزب در انتخابات به‌اجمال این است که:

پاره‌ای مسائل و مشکلات اجتماعی را که جنبه حیاتی داشته توجه اکثریت افراد جامعه را به خود مشغول کرده باشد با نهایت دقت انتخاب و روش‌هایی معقول و منطقی و منطبق با احتیاجات و آمال مردم برای حل آن‌ها پیشنهاد می‌کنند. از میان آرا و عقاید بیشمار و مختلف مردم آنچه که احتمال می‌رود موردقبول عامه قرار گیرد درراه حل‌های پیشنهادی ملحوظ می‌دارد.

- افکار و علائق مردم که تا پیش از اقدامات حزبی مبهم و غیر معلوم بود با بررسی‌ها و اقدامات فوق نقش مشخصی به خود خواهد گرفت و راه آینده دولت و مردم معین و هموار خواهد شد.<sup>22</sup>

- در مملکت ما در حال حاضر حزبی فعالیت سیاسی ندارد. درحالی‌که تشکیل و فعالیت احزاب جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی صنفی اسلامی..... آزاد است به شرط اینکه درهرحال اصول زیر را نقش نکند.

آزادی، استقلال وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی

قانون اساسی تعریفی از گروه‌های مزبور بیان نداشته است.

## 6\_ حق داشتن شغل برخورداری از تأمین اجتماعی استفاده از آموزش و پرورش رایگان حق داشتن مسکن مناسب

در نظام جمهوری اسلامی ایران آن‌طور که قانون اساسی می‌گوید: هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد برگزیند.

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال بکار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.<sup>23</sup>

برخورداری از تأمین اجتماع از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، درراه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره حقی است همگانی.

دولت مکلف است طبق قوانین از محل‌های درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم مشارکت مردم خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.<sup>24</sup>

- دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره مشروطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.<sup>25</sup>

- داشتن مسکن متناسب با نیاز حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند: بخصوص روستائینان زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.<sup>26</sup>

21 - در کشور ما از زمان استقرار نظام جمهوری اسلامی از این امر بعنوان وظیفه شرعی نام برده می‌شود.

22 - حقوق اساسی دکتر بوشهری صفحه 52، 51.

23 - اصل 28.

24 - اصل 29.

25 - اصل 30.

هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشتن موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت 24 ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.<sup>۲۷</sup>

آیین دادرسی کیفری با بازپرسی اجازه داده است که راسا و یا به تقاضای دادستان در تمام مراحل تحقیقاتی قرار توقیف متهم را صادر کند.<sup>۲۸</sup> و دادگاهها نیز به اختلاف موارد می‌توانند قرار بازداشت متهم را صادر نمایند.<sup>۲۹</sup>

آزادی افراد علاوه بر اینکه به موجب قانون اساسی تضمین شده است مطابق مواد مندرج در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب 18 مردادماه 1362 تحت حمایت شدید قانون قرار گرفته و مقرر شده است هر یک از وزرا و مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی جمهوری اسلامی به آنها داده مرحوم نماید. از شغل خود منفصل و از 3 تا 5 سال از مشاغل دولتی محروم خواهد شد.<sup>۳۰</sup>

هرگاه اقداماتی که برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است بر حسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد مرتکب و کسانی که عالما آن را استعمال کرده باشند به حبس از 3 تا 10 سال محکوم خواهند شد.<sup>۳۱</sup>

و همچنین هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی می‌نموده و آنها شکایت را استماع نکرده و ثابت ننمایند که تظلم عارض را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفسال دائم از شغل و محکومیت از مشاغل دولتی به مدت 3 تا 5 سال محکوم خواهند گردید.<sup>۳۲</sup>

مسئولین و مأمورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها هرگاه بدون اخذ برگ بازداشت از طرف مراجع و مقامات صلاحیت‌دار شخصی را بنام زندانی بپذیرند به دو ماه الی دو سال حبس محکوم خواهند شد.<sup>۳۳</sup>

و بالاخره قانون مزبور تصریح داشته است هرگاه دادستانها یا دادیارها یا بازپرسها یا قضات محاکم یا دیگر مأمورین ذیصلاح در غیر مواردی که قانون مقرر داشته است امر به توقیف کسی را بدهند یا در غیر موارد معینه قانونی تعقیب جزایی یا قرار محرومیت او را بدهند به انفسال دائم از شغل و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت 5 سال محکوم خواهند شد.<sup>۳۴</sup>

## 7- حق دادخواهی حق داشتن وکیل

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.<sup>۳۵</sup> به مدلول اصل مزبور هر فرد حق دارد در مقام دادخواهی به دادگاههای صالح مراجعه کند.

و اما در توجیه حق داشتن وکیل می‌توان به خلاصه زیر نوشت:

نظر به اینکه دستگاه قضایی متشکل از اشخاص حقوقدان از قبیل دادستان، دادرس،... که آن اولی به نمایندگی عموم افراد را تحت تعقیب قرار می‌دهند ایجاب دارد که به این اواخر حق و اختیار داد تا در مقام دفاع از خود به همان وسایل متوسل شوند.

بدون شک نادیده گرفتن این حق نفی تعادل میان طرفین را به دنبال خواهد داشت.

<sup>26</sup> - اصل 31.

<sup>27</sup> - اصل 32.

<sup>28</sup> - ماده 38 ق-ا-د-ک.

<sup>29</sup> - رجوع شود به ماده 21 قانون مربوط به محاکمات جنایی مصوب مرداد 1337.

<sup>30</sup> - ماده 48 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و نیز رجوع به فصل دوم ق-م-ع- (سابق)

<sup>31</sup> - ماده 49 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

<sup>32</sup> - ماده 50 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

<sup>33</sup> - ماده 51 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

<sup>34</sup> - ماده 53 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)

<sup>35</sup> - اصل 34 ق-ا-ج-ا.



بنابراین حق داشتن وکیل در همه مراحل دعوی از حقوق اولیه و اساسی هر فردی به حساب می‌آید. چنانکه بعضی از کشورها این حق را در قانون اساسی خود یادآور شده‌اند تا مگر از تجاوز بدان توسط حکمرانان ممانعت به عمل آید.<sup>۳۶</sup> بر همین تبیین است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ما تصریح می‌دارد: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.<sup>۳۷</sup>

### 8- منع هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار

اصولاً رفتار خشن و تهدیدآمیز و توأم با ارباب اذیت و آزار برای تحصیل اقرار از افراد مخالف آزادی و اصول اجرای عدالت است. تعقیب‌ها و محاکمات که بعضی حکومت‌ها نسبت به پیروان مکاتب مختلف و طرفداران می‌نمایند مخالف انجام می‌دهند بیانگر این واقعیت است که: شکنجه‌های جسمی و روحی معموله موجب می‌شود تا ممتازترین و مفیدترین فرزند این ملت به طریق ناعادلانه‌ای قربانی شوند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که هرگونه اقرار و اعتراضی که در فاصله میان توقیف متهم تا حضور وی در محکمه از او تحصیل گردد بدون اثر است.

قانون اساسی ما نیز به‌دوراز این حقیقت قرار نگرفته و مقرر می‌دارد هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت اقرار و یا سوگند فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. (اصل 38) ماده 58 از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) هم در این باب می‌گوید هرگاه یکی از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولت برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کرده یا در این باب امری دهد به حبس از 6 ماه الی 3 سال محکوم خواهد شد و اگر متهم به‌واسطه اذیت و آزار فوت کند مرتکب مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

### 9- علنی بودن محاکمات

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل سوم که مواردی تحت عنوان (حقوق ملت) بیان کرده است اشاره‌ای به (علنی بودن محاکمات) نموده است. ولی در فصل 11 خود (قوه قضاییه) اصل 165 تصریح داشته است محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوص طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصولاً در جوامع آزاد نظارت و کنترل کلی دستگاه‌های حکومت از جمله دادگاه‌ها با مردم است. لذا می‌بایست جریان محاکمه متهمین از طرف مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم برسد. از طرفی حضور افراد در جلسه دادرسی و محاکمه بلامانع باشد تا که موجب شود از اعمال غرض خصوص احتمالی قضات و تضييع حق متهم خودداری گردد. به‌عکس دادگاه‌هایی که در کشورهای استبدادی به امر دادرسی متهمین می‌پردازند غالباً با سری و امری هستند.

بدین ترتیب علنی بودن محاکمات از جمله حقوق فردی است لحاظ اجرای عدالت است که در اغلب قوانین اساسی و قوانین عادی کشورهای جهان ذکر می‌شود. به‌موجب قانون اساسی ما تشخیص اینکه آیا اوضاع و شرایط برای اعلام سری شدن محاکمه کافی است یا نه با محکمه است.

بنابراین در مواردی که دادگاه از یک قاضی تشکیل می‌شود اتخاذ تصمیم مقتضی با همان یک قاضی است. اگر دادگاه‌ها دارای چند قاضی باشد می‌بایست نظر اکثریت آنان مناط اعتبار قرار گیرد. به‌هرحال دلایل زیر می‌تواند مستند غیرعلنی بودن محاکمات قرار گیرد:

<sup>36</sup> - ماده 6 از اولین متمم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا.

<sup>37</sup> - اصل 35- (1) در ق- 1 (سابق) و متمم آن از حق داشتن وکیل برای افراد ذکری به میان نیامده بود. اما در ق- آ- د- ک- پیش بینی شده است که در کلیه امور جزایی متهم می‌تواند حداکثر تا سه وکیل انتخاب نماید. حتی در پاره‌ای موارد متهم ناگزیر از انتخاب وکیل است ماده 313 و د- آ- د- ک.



1. علنی بودن محاکمه منافعی عفت عمومی باشد.
  2. علنی بودن محاکمه مخالف بانظم عمومی باشد.
  3. در دعای خصوص طرفین دعوی درخواست کنند که محاکمه علنی نباشد.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی رسیدگی سری می‌بایست تا مرحله صدور حکم خاتمه پذیرد. زیرا در قانون اساسی فقط (محاکمات) قیدشده و محرمانه بودن آن در جرائم عادی در موارد تصریح شده مورد حکم قرار گرفته است. پس از خاتمه دادرسی و صدور حکم نوبت به قرائت آن می‌رسد که در حال اعم از اینکه محاکمه علنی باشد یا غیرعلنی باید جایی از مفاد آن آگاه شود. در تأیید مراتب یادشده اصل 166 ق- 1 چنین می‌گوید احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. 256. در پایان بحث (حقوق ملت) یادآور می‌شود که قانون اساسی موارد دیگری هم بیان داشته است از آن جمله:
1. هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌اش منسوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.<sup>38</sup>
  2. حکم به مجازات و اجرا آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.<sup>39</sup>
  3. اصل برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.<sup>40</sup>
  4. هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر بازداشت زندانی یا تبعیدشده باشد بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.<sup>41</sup>
  5. هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.<sup>42</sup>
  6. تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که تابعیت کشور دیگری درآید.<sup>43</sup>
  7. اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند.<sup>44</sup>

38 - اصل 33.

39 - اصل 36.

40 - اصل 37.

41 - اصل 39.

42 - اصل 40.

43 - اصل 41.

44 - اصل 42.

## 10\_ فهرست منابع

- آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق کیفری اختصاصی، دوره کلاس‌های آزاد، 1384
- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه - نیمسال اول سال تحصیلی 1385 تهران.
- آزمایش، علی، تقریرات درس حقوق کیفری اختصاصی یک، نیمسال اول سال 1376
- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. - تحصیلی 1377
- یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ سوم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1352)
- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1375)

## Individual rights and freedoms in the Constitution of the Islamic Republic of Iran

### Abstract

The Constitution of the Islamic Republic of Iran has paid attention to individual and collective rights and freedoms in a chapter entitled "The Rights of the Nation". The freedom of assembly is one of the collective rights and freedoms that is directly stated in Article 27 of the Constitution and implicitly in Article 26 of the Constitution. identified and guaranteed. In this article, we analyze the importance that the constitution has given to the freedom of assembly in Article 27 of the constitution, and also emphasize the basic issue that, first of all, the freedom of assembly and marches cannot be absolute. Rather, the exercise of this right should be considered according to the conditions and circumstances of the Islamic democratic society. Secondly, the constitution, while observing the criteria of the Universal Declaration of Human Rights and the international community, has also taken into account the conditions of its Islamic democratic society and has considered both. Also, in this research, an attempt has been made to first deal with the concept of public rights and freedoms in detail. Then, while stating the types of rights and freedoms, the right of association in the Islamic Republic of Iran's Constitution and other related laws and regulations have been specifically examined. In this regard, while expressing the guarantee of the implementation of this right, the necessity of the government's attention and supervision on how to implement this has been discussed.

**Keywords:** Constitution, public rights and freedom, citizenship rights, community freedom, human dignity